

## جامی سیمین از زمان اردشیر یکم ساسانی؟

آیا کهن‌ترین نوشته روی جام دوران ساسانی در دست ماست؟

زاله آموزگار

دانشگاه تهران

جامی سیمین از پیج و خمهای زمان گذر می‌کند، در دربار بزرگان دست به دست می‌شود و سرانجام از بازار لندن سر درمی‌آورد و در دسترس فرهنگ دولتی قرار می‌گیرد و بدین جا می‌رسد که اکنون بتوانیم به رمزگشایی واگان کتبیه آن بپردازیم و تصویرهای زیبایی از آن عرضه کنیم.<sup>۱</sup> تصویر زیبایی از شاه و شهبانو در میانه جام دیده می‌شود. تاج کلاه این شاه با تاج اردشیر ساسانی که نمونه‌های آن در دست است همانندی دارد، ولی این پوشش معمول سر بسیاری از فرمانروایان دیگر ساسانی نیز هست. از سوی دیگر، نحوه آرایش موی بانوی این تصویرهم، بتابر نظر متخصصان فن، شباهت به آرایشهای بعدی دوره ساسانی دارد، ولی گوی پارچه‌ای بالای سربند بانو، که در تاجهای شاهی در میان کنگره‌ها قرار می‌گیرد، در نقشهای آغازین دوره ساسانی دیده شده است.<sup>۲</sup> بر جداره این جام، دو متن متفاوت، به الفای پهلوی کتبیه‌ای نقر شده است (تصویر ۱). متن نخست (تصویر ۲-۵) ظاهراً مالکیت آن را به اردشیر یکم ساسانی نسبت می‌دهد و بتابر ۱. شرح و معرفی باستان‌شناسی و هنری این جام در مقاله‌ای جداگانه به قلم یابنده آن، آیدین آغداشلو، در دنباله همین مقاله آمده است.

۲. این برداشت‌ها تبجه مشورتهایی است که با ریکا گیزلن (R. Gyselen) از مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (C.N.R.S.) در پاریس، آیدین آغداشلو هنرمند و هنرشناس، و ابراهیم چگنی متخصص دوران ساسانی در سازمان میراث فرهنگی انجام گرفت.

متن دوم (تصویر ۶-۹)، مالک بعدی آن احتمالاً «پوهرگ» نامی است. این دو متن به طور افقی بر کناره بیرونی جام نوشته شده‌اند و در میان آنها فاصله‌ای وجود دارد. دو متن احتمالاً در دور زمان متفاوت و به دست دو دیبر مختلف به نگارش درآمده‌اند. نویسندگان متن دوم نامنظم‌تر از متن اول به نظر می‌آید. اطلاعات مربوط به جنس، وزن و نوع نقره، در هر دو متن، تا حدودی یکسان است که با جزئیات در قرائت متن بدانها اشاره خواهد شد.

همه کلمات متن نخست رمزگشایی شد. در این متن، از جامی از (نقره) کوفته شده، به وزن ۲۷ سیز (سیر) سخن گفته شده که تعلق به خداوندگار مزدای پرست، اردشیر، شاهنشاه ایران، پسر بابک شاه دارد. در متن دوم، سخن از تعلق این جام به خداوندگار دیگری است که چون از شهرت کمتری برخوردار بوده است، رمزگشایی آن آسان نیست. نام آن به حدس «پوهرگ» پسر پورشنید (؟) خوانده شد که احتمالاً لقب یا مقام و مرتبتی دارد. توضیحات بیشتر در این باره در یادداشت‌های مربوط به متن داده خواهد شد.

### متن نخست

این متن چهارده واژه دارد:

1. mazdēsn	mzdysn	مزدیسن
2. bay	bgy	بغ، خداوندگار
3. Ardašahr	'rthštr	اردشیر
4. šāhān šāh	MLKA n MLKA	شاهان‌شاه
5. Ērān	'yr'n	ایران
6. pus	BRH	پسر
7. bay	bgy	خداوندگار
8. Pābak	p'pk'y	بابک
9. šāh	MLKA	شاه
10. jām	NANH	جام
11. ēn	ZNH	این
12. *kōft	YNGDWN	کوفته
13. wist ud haft	20 7	۲۷
14. statēr	MCY	سیز(سیر)

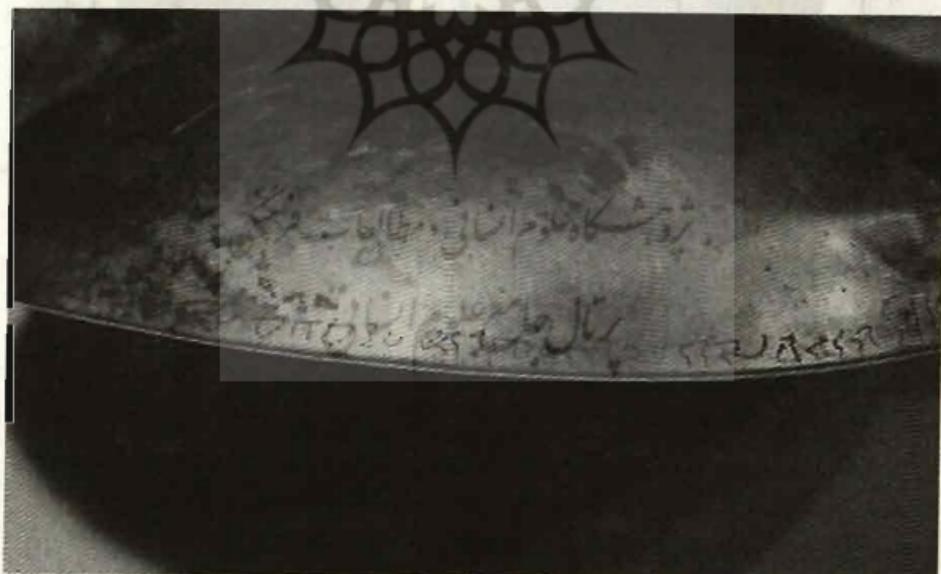
مزدیسن خداوندگار اردشیر شاهنشاه ایران پسر خداوندگار بابک شاه. این جام (نقره) کوفته شده ۲۷ سیر (است).

## متن دوم

این متن احتمالاً دوازده یا سیزده واژه دارد:

1. ēn	ZNH	این
2. jām	MANH	جام
3. puhrag	pwhlk	پوهرگ
4. xwēš	NPŠH	خویش
5. pus	BRH	پسر
6. pūr	pwr	پور
7. šanbid/šambid	šnbyt	شنبید/شمبید
8. *nām (?)	ŠM	نام (?)
9. * ?	lwbwn	روان (?)
10. *kōft	YNGDWNy	کوفته
11. asēm	'symy	سیم
12. *wist ud haft	*20 7	۲۷
13. statēr	MCY	ستیر(سیر)

این جام تعلق به پوهرگ پسر پور شنبید نام روان (?)، سیم کوفته شده \*بیست و هفت سیر.



تصویر ۱. بخشی از لبه جام و کتیبه نقرشده بر آن

من فتحت

لله رحمة وبرحمته عز وجله ألم يلد لعل لعل  
رَبِّ رَبِّ تَعْبُدُهُ أَلَمْ يَلْدُ حَمْدَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَكَ

فَلَمَّا

من دوم

لَهُ مُلْكُ الْأَمْرِ وَلَهُ الْحُكْمُ الْعُظُومُ لَهُ الْحُكْمُ بِالْأَرْضِ

طاعات فرجي

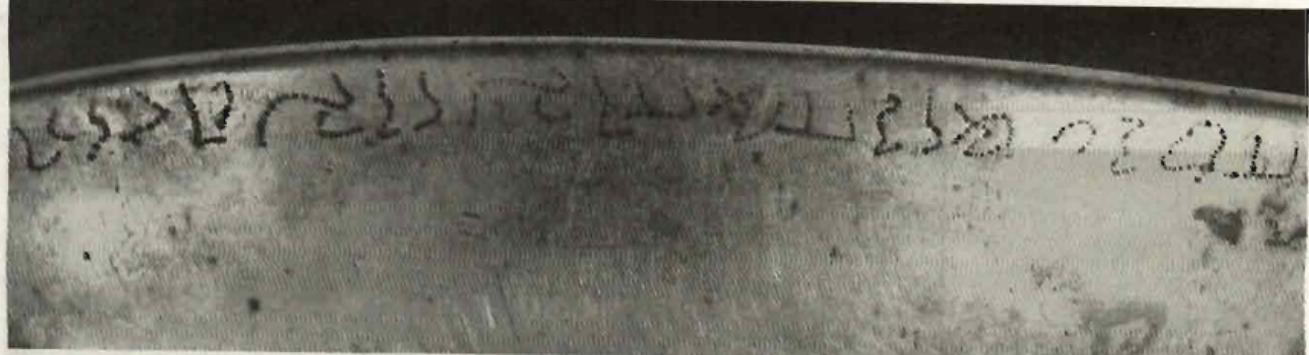
سَدِّ الْجَاهِلَةِ وَنَهْرَ الْمُجْرَمِ  
بِرْ جَلْ جَوْمَانَانِي



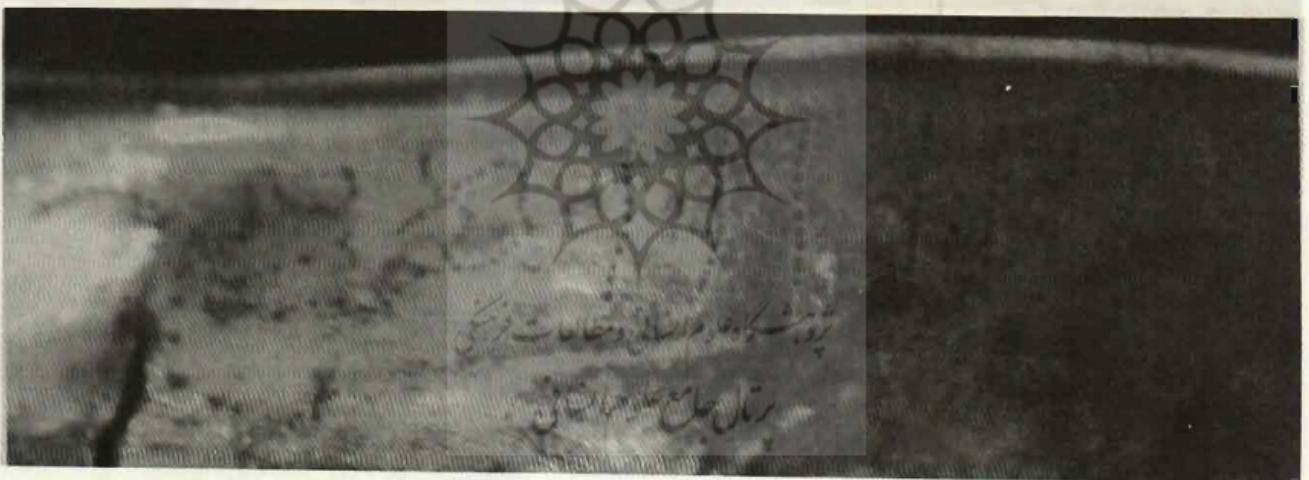
تصویر ۲. آغاز متن نخست



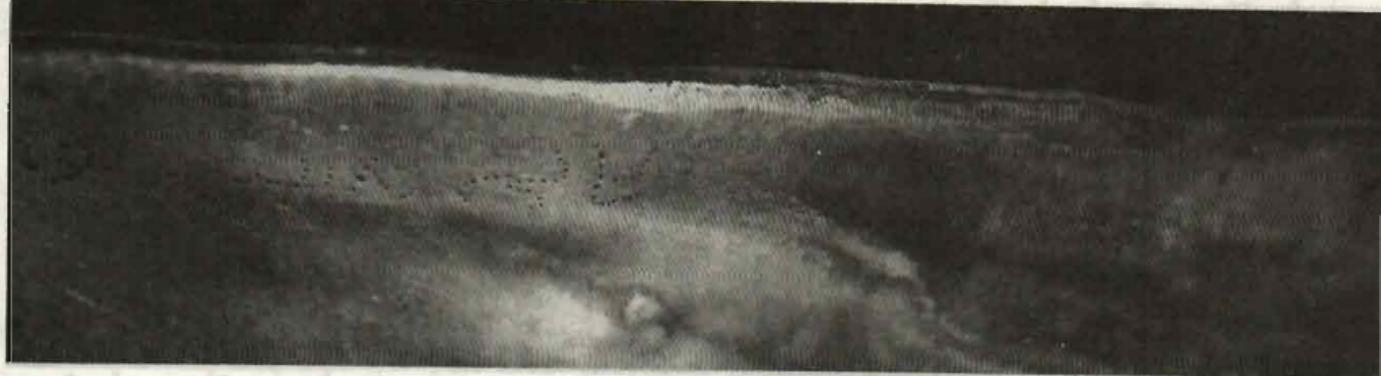
تصویر ۳. ادامه متن نخست



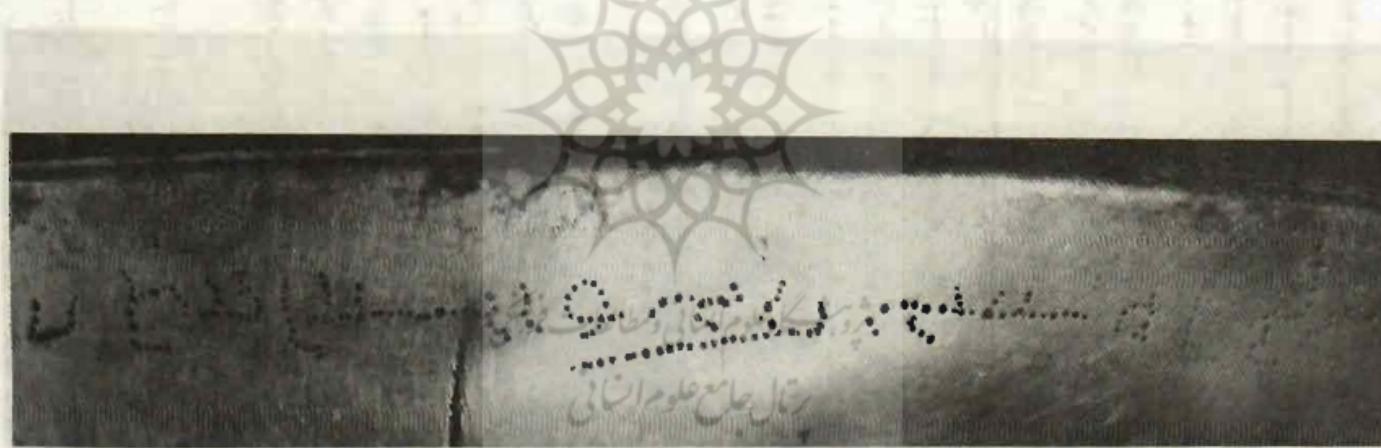
تصویر ۴. ادامه متن نخست



تصویر ۵. پایان متن نخست



تصویر ۶. آغاز متن دوم



تصویر ۷. ادامه متن دوم

در یکی از جام‌نوشته‌هایی که زینو منتشر کرده (۱۹۷۵)، واژه‌ای که با املای YWDNLTY آمده است کاملاً نشان می‌دهد که T این واژه متفاوت با آن نویسه‌ای است که قبلاً T خوانده شده بوده و باید YN خوانده شود.

شروع، برای سومین نویسه، با تردید G را انتخاب می‌کند و بدین ترتیب YNGDWN به دست می‌آید که صورت هزوارشی بودن آن مشخص است و ریشه آن ngd است که مشتقاش در زبان آرامی کاربرد دارد و بخصوص برای نامیدن ظرفهای فلزی به کار می‌رود.

شروع، در مرد معنای خاص آن، با ارائه مثالها و ذکر منابع آرامی و سریانی، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که این واژه به نوع خاصی از نقره اطلاق می‌شود و منظور نقره «ورقه ورقه» با معنی ضعنی «چکش کاری شده» است، در برابر نقره «ریخته» یا نقره «پوسته پوسته». جامهای نقره‌ای که تاکنون پیدا شده‌اند همگی چکش کاری شده‌اند، ولی در اینکه چه برابرها داده‌ای در فارسی میانه بدان داده شود، تردید هست چون این هزوارش در فرهنگ پهلویگ نیامده است.

در فرهنگ هزوارش‌های پهلوی، هزوارش kōftan با قرائت DK/GR/LWNtn به معنی حفر کردن آمده است (مشکور، ۱۳۴۶: ۶۸-۶۷؛ ابلینگ، ۱۹۴۱: ۶۷) و هزوارش دیگری به شکل WZTWN-tn، و با قرائت kōftan نیز وجود دارد که به معنی شکستن و خرد کردن است (مشکور، ۱۳۴۶: ۳۲؛ ابلینگ، ۱۹۴۱: ۴۹؛ یونکر، ۱۹۵۵: ۱). در مقاله شروع آمده است که در کتاب غولان، برای واژه طلا و برای چنین مفهومی، واژه zadan به کاررفته است (هینگ، ۱۹۴۳). با در نظر گرفتن چنین توضیحاتی و فقدان گزینه دیگری، من در مقابل این هزوارش واژه kōftan را انتخاب کردم. ۴. در مورد اعدادی که در هر دو متن آمده است نیز به نکاتی باید اشاره کرد. در متن نخست، عدد دهگان، با توجه به ارقام داده شده فرای (۱۹۷۳: ۵) و نیبرگ (۱۹۶۴: ۱۷۳) و با توجه به تصویر مقاله شروع (۱۹۹۳: ۱۸۵)، رقم بیست انتخاب شد. رقم یکان در متن نخست، به طور واضح، هفت است ولی برای به دست اوردن این رقم در متن دوم نیاز به تصحیحاتی هست، زیرا اگر همان عدد را عیناً در نظر بگیریم، باید ده + پنج باشد، مگر اینکه علامتی را که شبیه به ده است، دو علامت عمودی فرض کنیم و در مجموع، به عددی نزدیک به بیست و هفت متن نخست برسیم.

از سوی دیگر، وزن این جام به طور دقیق ۳۷۱/۱۵۰ گرم است، و بیست ستر (سیر)، با اوزانی که برای هر ستر داده شده است (شروع، ۱۹۹۳: ۱۸۸)، با این رقم هماهنگی بیشتری دارد. به این ترتیب، طبق محاسبه‌ای که انجام شد، هر ستر نزدیک چهارده گرم است (۱۲,۷۴۶)، در حالی که اگر رقم متن دوم را رسی و پنج بگیریم، هر ستر در حدود ده و نیم گرم خواهد بود (۱۰,۶۰۴ گرم).

۵. نام پوهرگ (واژه سوم متن دوم)، نامی است که در کتیبه شاپور در کعبه زردشت هم آمده است. در آنجا نام یکی از بزرگان دربار بابکشاه، پسر مردین (Mardēn) است (زینیو، ۱۹۷۲: ۳۲؛ ۱۹۸۶، شماره ۷۷۷). در این متن، اگر قرائت ما درست باشد، پسر پور<sup>\*</sup> شنبید نامی است (نک. جلوتر).

۶. پور (pūr) نام صاحب یکی از جامهای موجود در موزه ارمیتاژ هم هست که در آنجا فرزند جامین (jāmēn) است (زینیو، ۱۹۸۶، شماره ۷۷۸) و در اسمهای مرکب هم در نقش جزء ترکیبی به کار رفته است (زینیو، ۱۹۸۶، شماره ۷۷۹).

۷. نام شنبید یا شنبید، در کتیبه شاپور اول در کعبه زردشت نیز آمده است. در آنجا شنبید پدر پیروز شاپور (Pērōz-śabuhr) است، یکی از بزرگان دربار شاپور اول و پدر رزم‌گوی (Razmāgōy) از بزرگان دوره نرسه (Narseh)؛ شاید هم نام خانوادگی یا لقب باشد (زینیو، ۱۹۸۶، شماره ۸۷۱).

۸. برای واژه ۸ و ۹ متن دوم که احتمال دارد یک واژه باشند، قرائت قابل قبولی توانستیم عرضه کنیم. وجود W و N در آخر کلمه، ذهن را به سوی نوعی ترکیب فعلی نیز سوق می‌دهد و همچنین می‌توان به نوعی مقام و شغل یا نام خانوادگی و لقب نیز فکر کرد.

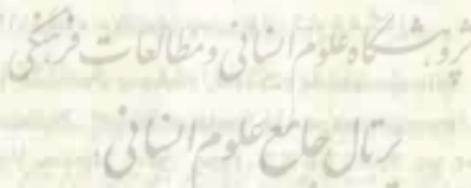
با امید به اینکه پژوهشگران دیگر راه‌گشای ندانسته‌ها باشند.

### منابع

تفضلی، احمد، ۱۳۲۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.  
مشکور، محمد جواد، ۱۳۴۶، فرهنگ هزار شهای پهلوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- Ebeling, E., 1941, *Mittelpersische Glossar, Frahang Pahlavik*, Leipzig.
- Frye, R.N., 1964, "Inscriptions on the 'Sasanian Silver'", *Bulletin of the Cleaveland Museum of Art*, pp. 92-95 (in R.N. Frye, *Opera Minora*, Vol. I, 1976, pp. 316-319).
- \_\_\_\_\_, 1973, "Sasanian Numbers and Silver Weights", *Journal of the Royal Asiatic Society*, pp. 1-11 (in R.N. Frye, *Opera Minora*, Vol. I, 1976, pp. 273-291).
- Gignoux, Ph., 1972, *Glossaire des Inscriptions Pehlevies et Parthes*, Corpus Inscriptionum Iranicarum, Supplementary Series, Vol. 1, London, pp. 181-192.
- \_\_\_\_\_, 1975, "Coupes inscrites de la collection Mohsen Foroughi", *Monumentum H.S. Nyberg, Ac. Ir. 4*, Leiden; apud Skjærvø, 1993.
- \_\_\_\_\_, 1986, *Iranisches Personnamenbuch*, Band II, Faszikel 2, Normes propres sasanides en moyen-perse épigraphique, Wien.

- Harmatta, J., 1974, "Remarques sur les inscriptions des vases sassanides", in Ph. Gignoux and A. Tafazzoli, eds., *Memorial Jean de Menasce*, Louvain, pp. 189-198.
- Henning, W.B., 1943, "The Book of the Giants", *BSOAS* 2: 57-67; apud Skjærvø, 1993.
- \_\_\_\_\_, 1961, "A Sasanian Silver Bowl from Georgia", *BSOAS* 24: 353-356.
- Huyse, Ph., 2003, *Le 'y' Final*, Cahiers Studia Iranica 29.
- Junker, H.F.J., 1955, *Das Frahangi Pahlavik*, Otto Harrassowitz, Leipzig.
- Nyberg, H.S., 1964, *A Manual of Pahlavi*, Part 1, Otto Harrassowitz, Wiesbaden.
- Skjærvø, P.O., 1993, "The Earliest Datable Inscription on a Sasanian Bowl in J. Paul Getty Museum", *Bulletin of the Asia Institute*, pp. 181-192, Iranian Studies in Honor of A.D.H. Bivar, New Series, Vol. 7, edited by Carol Altman Bromberg.



پژوهشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرستال جامع علوم انسانی